



## آدرس را غلط داده‌ایم قیمت‌گذاری، حل‌المسائل مشکلات آب نیست

که بتوانند استحصال آب زیرزمینی را باید دراز مدت و دید پایداری انجام بدهند، می‌بینیم که کار چندانی انجام نشده است.

تجارت آب مجازی هم به تازگی مطرح است که این بحث هم در مراحل اولیه فرهنگ‌سازی است و خیلی به صورت جدی بررسی نشده است. موضوع این است که ما بتوانیم سیاست‌های تجاری را به گونه‌ای تنظیم بکنیم که فشار کمتری به منابع آب وارد شود. هدف این است که با در نظر گرفتن هدف امنیت غذایی سعی کنیم بخش قابل توجهی از نیازهایمان را به جای تولید داخل از بازارهای جهانی تامین کنیم که این‌ها هم در مرحله اولیه و فرهنگ‌سازی است.

**مهندس آریان:** یکی از مشکلات، مشابه مسایل دیگر برمی‌گردد به این که چون به منابع مالی نفتی متکی بودیم که از طریق بودجه‌های عمرانی تامین می‌شد؛ مدیران و بدنه کارشناسی در وزارت نیرو، بخصوص کسانی که سیاست‌گذاری می‌کردند، خیلی باور نداشتند که یک روزی هم منابع مالی تمام می‌شود و هم منابع آبی محدود می‌شود. بنابراین علی‌رغم این که به لحاظ نظری بسیاری از سازوکارهای اقتصادی در راهنماها و دستورالعمل‌ها مطرح شده است، اما چون این باور وجود نداشت؛ به اجرا در نیامده است. حتی در وضعیت کنونی و تشدید فشار ناشی از شرایط محدودیت مالی و همچنین منابع آبی، هرچند صحبت از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است، نگرش صحیح به برنامه‌ریزی به خصوص برنامه‌ریزی دراز مدت وجود ندارد.

در جامعه ما معمولاً پس از وقوع حادثه، به فکر راهکار می‌افتند. خطر این مساله این است که ناگهان برخی از راهکارها برجسته شده و تیرت مباحث قرار می‌گیرند، مانند تجارت آب مجازی (که همان طور که آقای مهندس اسفندیاری گفتند) علی‌رغم اینکه در اوایل کار و فرهنگ‌سازی است؛ می‌بینیم یک مرتبه برخی مسایل آن به سیاست‌گذاری ورود پیدا می‌کند. مثلاً در بعضی از مناطق کشت برنج را ممنوع می‌کنیم. قبل از اینکه مشخص شود که این راهکار تا چه اندازه می‌تواند کمک کند، در چه جاهایی و برای چه محصولاتی باید انجام شود؛ بلافاصله در قالب

تاکید شده است و وزارت نیرو مکلف شده است که در این زمینه اقدام کند تا زمینه برای نرخ‌گذاری آب بر مبنای مصرف حجمی فراهم شود. تاکنون که حدود ۲۰ سال از آن ماجرا می‌گذرد، قضیه هنوز در مراحل بسیار ابتدایی است.

در برنامه سوم بر تطبیق الگوی کشت با امکانات آبی هر منطقه تاکید شده است که گام بعدی بوده است در مسیر تحویل حجمی که کشت‌های پرمصرف آب در مکان‌هایی با هزینه‌های سلسله‌مراتبی کمتر از نظر اقتصادی و محیط‌زیستی، مکان‌یابی شود. از طرف دیگر، در برنامه سوم بر تقویت بازار آب تاکید شده است؛ ولی همچنان در نظام اداری ما، هزینه‌های نقل و انتقال و مبادله آب بین کشاورزان بسیار زیاد است و کار به سختی انجام می‌شود. در خصوص نرخ‌گذاری آب هم می‌بینید که قوانین زیادی داریم و همیشه این قوانین به گونه‌ای اجرا می‌شود تا با اعتراضات کمتری در مجلس نسبت به نرخ‌های جدید آب روبرو شود. در نتیجه عملاً بخشی از ظرفیت‌های نرخ‌گذاری آب استفاده نمی‌شود.

قیمت‌گذاری آب معمولاً هدف‌های مدیریتی متعددی را دنبال می‌کند. اما نرخ‌های آب در کشور ما بیشتر آثار مالی دارد و نه آثار اقتصادی و زیست محیطی؛ به این ترتیب که برای شرکت‌های آب منطقه‌ای درآمد ایجاد می‌کند، ولی تأثیری روی مصرف نمی‌گذارد. برای اینکه در کشاورزی، آب هکتاری تحویل و مصرف می‌شود. به طور کلی اندازه‌گیری‌های مستمر آب در کشور ما حتی در مناطق خشک و کم‌آب جدی نیستند، حتی در بخش تحویل آب کلان توسط شرکت آب منطقه‌ای، به شهرها و به صنایع بزرگ هم تحویل حجمی آب و اندازه‌گیری‌ها خیلی دقیق نیست. وقتی که اندازه‌گیری دقیق و مدیریت شده نباشد، طبیعی است که معیارهای اقتصادی نمی‌تواند خیلی بر کنترل مصرف اثر گذار باشد. در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طرح‌های آب و خاک هم در سال ۱۳۸۲ قانونی در مجلس تصویب شد اما بعد از تهیه آیین‌نامه، موضوع به فراموشی سپرده شد. در خصوص تامین مالی طرح‌ها از طریق تجهیز پیمانکاران آب به سازوکارهای تامین مالی، کارها بصورت نیمه تمام در آمده است و اقدام جدی انجام نشده است. در خصوص تقویت سرمایه‌های اجتماعی در جامعه محلی و ایجاد گروه‌های بهره‌بردار،

**اشاره:** برخلاف تصور عمومی، بخش خصوصی نقش پررنگی در استحصال آب کشور دارد. اما عدم دسترسی به رسانه‌های جمعی پرمخاطب، سبب شده است که دیدگاه‌های این بخش، کمتر مجال برای مطرح شدن بیابند. هر چند که الگوهای ناکارآمد مصرف، در اغلب رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین موضوع اقتصاد آب مطرح می‌شود و برخی مدیران دولتی عقیده دارند که افزایش قیمت آب، به عنوان اصلی‌ترین راه حل اصلی اصلاح الگوی مصرف، باید به کار بسته شود؛ شرکت‌کنندگان در این میزگرد معتقدند که اصلاح اقتصاد آب را باید از لایه‌های پایین‌تری آغاز کرد.

**گفت‌وگوی زمین‌ساز با 'انوش نوری اسفندیاری':** عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران، 'طیبه آریان'، کارشناس ارشد اقتصاد آب و 'محمدحسین کریمی پور'، عضو کمیسیون آب و کشاورزی اتاق ایران را در ادامه خواهید خواند.

**ابزارهای اقتصادی تا چه اندازه می‌توانند در مدیریت عرضه یا تقاضای آب موثر واقع شوند؟**

**مهندس اسفندیاری:** مدیریت آب که جزو مجموعه مدیریت زیربناسها است، بیشتر با سازوکارهای اداری، برنامه‌ای و دستوری در کشور ما اعمال



می‌شود؛ لذا نقش ابزارهای اقتصادی خیلی محدود است. مثلاً در زمینه قیمت‌گذاری یا تعیین مالیات و عوارض برای تامین اهداف برنامه، می‌بینید که آثار خیلی محدودی دارند. من در ابتدا سعی می‌کنم به جای بیان نظری موضوع که توان بالقوه اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی چقدر می‌تواند باشد، برای توضیح وضع موجود، مروری بر سرنوشت انواع سیاست‌های اقتصادی با توجه به شرایط کشور خودمان داشته باشم. البته در برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه تدابیر اقتصادی بسیار قوی پیش‌بینی شده است، منتها در عمل و اجرا خیلی محدود بدان‌ها عمل شده است. مثلاً در برنامه دوم بر تحویل حجمی آب کشاورزی

نرخ‌های ما بیشتر آثار مالی دارد و نه آثار اقتصادی؛ به این ترتیب که برای شرکت‌های آب منطقه‌ای درآمد ایجاد می‌کند، ولی تأثیری روی مصرف نمی‌گذارد

یک برنامه عملیاتی و حتی برای قانون گذاری مطرح می شود.



#### مهندس کریمی پور: فکر

می کنم در به کارگیری ابزارها، گزارشی که آقای اسفندیاری دادند گزارش تقریباً کاملی بود. ولی من می خواهم سوال را یک لایه بالا ببرم. شما امروز وقتی به سوامالی نگاه می کنید، هیچ وقت سوال نمی کنید که حاکمیت سوامالی چه ابزارهای اقتصادی را برای تنظیم اقتصادش به کار می گیرد. اما وقتی در مورد ایران صحبت می کنید، این پرسش مطرح می شود. اگر بپرسند فرق این دو اقتصاد چیست، می گوید که در سوامالی با ویرانی پایه های اقتصادی روبرو هستیم. مفهوم پول ملی و بانک مرکزی در سوامالی وجود ندارد. سیادت ملی حاکمیت در اقتصاد مخدوش است، پس نباید در چنین محیطی از ابزارهای اقتصادی سوال کرد. چرا که در سوامالی اقتصاد برنامه ای وجود ندارد.

من حرفم این است که در عرصه آب، ایران تقریباً مانند سوامالی است در عرصه اقتصاد. ادعایم را توضیح خواهم داد. آب در ایران با مداخله حاکمیت از حالت یک کالا خارج شده است. کالا در اقتصاد تعریفی دارد که عوارضی بر آن تعریف بار می شود. اولاً کالا در هر اقتصاد دارای یک قیمت است. آب در ایران قیمت ندارد. امروز طرح آبی توسط سه بنگاه دولتی در جنوب ایران در حال انجام است برای آن که یک کارخانه آب شیرین کنی در بندرعباس احداث شود، آب را از خلیج فارس گرفته، شیرین کند و منتقل کند به ورای ارتفاعات شمالی بندرعباس؛ به جنوب استان کرمان و در آنجا در سه قطب مهم صنعتی مصرف شود.

هزینه تمام شده هر متر مکعب آبی که در بررسی های اقتصادی خود به آن رسیده اند، در پای آب شیرین کن هر متر مکعب دو هزار تومان

است، به فاصله چند صد کیلومتر آن طرف تر و در اولین نقطه مصرف، هزینه هشت هزار تومان است و کمی دورتر به ۱۰ هزار تومان می رسد. این هزینه تولید آب است، اگر از این صنعت بخواهید که به جای پرداخت هزینه سنگین و متمرکز آب شیرین کن و از آن بزرگتر، انتقال و فرآوری؛ از جاهای محلی آب خریداری کند، جواب خواهد داد که من مشکل فنی در خرید آب ندارم.

برخی جاهای منطقه در کشت غلات بیابانی، با بهره روری بسیار پایین، به کار گرفته شده اند. با محاسبه مدل اقتصادی تولید غله، می بینید که بهره روری اقتصادی هر متر مکعب آب این جاهها (یعنی قیمت معادلی که شما می توانید به آب به عنوان یک نهاده تولید نسبت بدهید)، کمتر از ۱۵۰ تومان است. پس در یک منطقه، یک عامل پایه تولید می تواند قیمتی بین ۱۵۰ تا ۱۰ هزار تومن داشته باشد. در نتیجه ادعای من که آب در ایران قیمت ندارد، ادعای درستی است. قیمت آب، بر اثر مداخلات دولت در ایران نامعلوم است.

در کشوری که حاکمیت منسجم، قوه قضاییه و پلیس مقتدر دارد، که به سرعت با مجرمین برخورد می شود و هر شب در تلویزیون اعلام می شود که افرادی که چنین خطایی را مرتکب شدند در ظرف شش ساعت دستگیر کردیم؛ امنیت در همه موارد فراهم می شود، به جز آب.

اگر الان کسی بیاید به منزل خانم یا به اتومبیل من تعرض کند یا کیف شما را از دستتان بگیرد، نظام با وی برخورد می کند. اما اگر کسی بیاید آب اختصاص داده شده به مزرعه من، یا به کارخانه ایشان و یا به شهری که شما در آن زندگی می کنید، دست اندازی بکند؛ در ایران هیچ تنبیهی برایش مقرر نشده است. خیلی صریح بگویم، وزارت نیرو، قوه قضاییه و ضابطین قانونی تمام وظایفشان در حیطة آب را سالهاست که عملاً تعطیل کرده اند. در این مملکت می شود چاه مجاز در دشت بحرانی

زده، از آن بهره برداری کرد، چاه را برقی کرد و از تعرض به مال مردم و منافع افراد دیگر لذت کافی را برد.

حاکمیت آب در کشور سابقه پنج هزار ساله دارد. روح این حاکمیت در ایران قبل از اسلام و در ایران بعد از اسلام یکی است. یعنی اسلام بر دستاوردهای بشری ایرانیان در منطقه خشک صحه می گذارد و محور "حیازت" در آب را امضا می کند. مفهوم حیازت چیست؟ یعنی این که فرد اولی که از منبع آبی برای یک کار مشروع استفاده می کند، برایش در میزان آبی که به طور متعارف و مستمرا برداشت کرده؛ حقی ایجاد می شود. برای فرد دوم، سوم تا پنجم هم همین گونه است، تاجایی که آن منبع آب، کشش برای استفاده فرد ۱+۱ را نداشته باشد. قانون ایران باستان و قانون اسلام می گوید آن فرد ۱+۱ به علت حق حیازتی که افراد قبل خودش در مصارف مشروع پیدا کرده اند، متعددی خواهد بود و باید جلوی تعدی را گرفت، ما این میراث باستانی و دینی مان را با قانون توزیع عادلانه آب در ابتدای دهه ۶۰ ویران کردیم. ما در چند دهه اخیر در کشور، آب را به یک ابزار ناکارآمد تامین اجتماعی تبدیل کردیم که با فرض لایتناهی بودن، هر قدر خواستیم دست در جیب بی پایان آب کرده و به مردم بخشش کنیم. هنوز هم نگاه مجلس به آب نگاه صدقه است. سخن اصلی خیلی از نمایندگان مجلس این است که آب بدهید به فرد فقیر، آب بدهید به فرد گرفتار؛ تا وظیفه تامین اجتماعی دولت اتفاق افتاده و حاکمیت قلوب را تسخیر کند. پس آن حکایت تلخی که مهندس اسفندیاری در بی نتیجه بودن به کارگیری ابزارهای اقتصادی نقل می کنند، ابتدا و انتهایش به این نکته ختم می شود که در ایران آب از حالت کالا خارج شده است. اقتصاد آب متلاشی شده است. در یک اقتصاد متلاشی، به کارگیری ابزارهای اقتصادی برای تاثیر بر بازار از دو طریق امکان پذیر است؛ هزینه کردن مبالغ بی پایان برای تداوم این موضوع، یا پذیرفتن این که از حدود متعارف بهره برداری خارج بشوید، که همین حالتی است که ایران در مساله آب به آن دچار شده است. همان حماقت طولانی مدتی است که عربستان سعودی در استخراج بی رویه و کوتاه نظرانه آب فسیلی و تبدیل آن به گندم در بیابان های سعودی مرتکب شد و البته حالا سرعقل آمده است. مخلص موضوع این است که ابزارهای اقتصادی کار آیی ندارند، چون بالا دست اقتصاد آب با ندانم کاری ویران شده است.

### پس می توان گفت که بهبود نابه سامانی های مالکیت آب، از جمله زیرساخت های لازم برای اصلاح اقتصاد آب است؟

مهندس اسفندیاری: بحث مهمی که مهندس کریمی پور مطرح می کنند، اشاره می کند که وضعیت دخالت های دولت، فضای بخش آب را به گونه ای شکل داده است که در آن نمی توان به حقوق مالکیت آب به صورت پایدار نگریست. معنای این سخن آن است که در منطقه ای که زمانی



**خطر اینجاست که ناگهان برخی از راهکارها برجسته شده و تیتیر مباحث قرار می گیرند، مانند تجارت آب مجازی، که علی رغم اینکه در اوایل کار و فرهنگ سازی است؛ می بینیم یک مرتبه برخی مسایل آن به سیاست گذاری ورود پیدا می کند**

**در بعضی از مناطق کشت برنج را ممنوع می کنیم؛ قبل از اینکه مشخص شود که این راهکار تا چه اندازه می تواند کمک کند**

هزار حلقه چاه داشتیم، الان به دو هزار حلقه رسیده و میزان استحصال آب از این دو هزار حلقه به نصف رسیده است. علت این است که آن مخزن دیگر بیش از این جواب نمی‌دهد و هر چاه جدیدی که بنیم آب دهی چاه‌های دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در مجموع ما قادر نخواهیم بود آب بیشتری بیرون بکشیم. بدین ترتیب ما در این مجموعه‌ای حق کسانی که قبلاً آمده‌اند را نادیده گرفته‌ایم. این مساله در اغلب مناطق کشور بروز کرده و به صورت بارزی خودنمایی می‌کند.

در نتیجه کسانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، باید با توجه به افق آینده برنامه‌ریزی را انجام دهند، چرا که سرمایه‌گذاری نیاز به یک دوره زمانی دارد تا مستهلک شود. این افق برای سرمایه‌گذاران تیره و نامشخص شده است. این موضوع شدیداً به بنیه اقتصادی کشور، چه در بخش صنعت، چه در بخش کشاورزی یا خدمات، لطمه وارد کرده است. و یکی از شاخص‌های مهم بحران آب که کشور ما با آن مواجه شده است، نشأت گرفته از همین شرایط است. حال این شرایط را چگونه می‌توانیم متحول کنیم و به اوضاع بهتری برگردانیم؟ نخست باید شرایط را تثبیت کنیم. درست مانند همین برنامه‌های که دولت یازدهم در پیش گرفته است. پیش از هر چیز، در شرایطی که کشور دچار رکود تورمی شده است، تلاش کرده است تا اوضاع را به ثبات برساند و آرامش را برقرار سازد.

پاسخ به این سوال که چگونه می‌توانیم تثبیت را در حقوق مالکیت ایجاد کنیم، برمی‌گردد به این که ما تا چه اندازه به نقش سیاست‌های اقتصادی در بهبود وضعیت اعتقاد داریم. این موضوع به نظام حاکمیتی ما برمی‌گردد که تا چه حد در ارتقای برنامه‌ها به سیاست‌های اقتصادی آب تکیه می‌کند. موضوع اینجاست که سابقه سیاست‌های دولتی در این خصوص، تاکنون ضعیف بوده و بیشتر به سلسله مراتب متکی بوده است. یعنی اگر خواهیم سه مجموعه مکانیزم را برای رسیدن به اهداف در نظر بگیریم؛ نخستین مجموعه، اداری و سلسله مراتبی از بالا به پایین است. دومین مجموعه، سیاست‌های اقتصادی است و سومین مجموعه، توافقات و مسایل فرهنگی است.

تکیه عمده دولت بر مجموعه اداری و سلسله مراتبی از بالا به پایین بوده است. ولی بنا بر ضرورت‌هایی که وجود دارد، به تدریج مکانیزم‌های دیگر نیز جای پای خود را باز می‌کنند. تفسیر قانون اساسی، تفسیری که از اصل ۴۴ و قانون توسعه فضای کسب و کار شد، در زمره جهت‌گیری‌هایی بود که تاحدودی مکانیزم‌های اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی را مورد توجه قرار داد.

ما این مشکل را فقط در مورد آب نداریم، بلکه در سایر قسمت‌های اقتصادی‌مان هم به این مشکل مبتلا هستیم، که عمدتاً بر ابزارهای اداری و دولتی اتکا داریم. بحث اساسی این است که تدابیر اقتصادی در فضایی که دولت بخواهد به‌تنهایی عمل کند، جواب نخواهد داد. یعنی موضوع اصلی تغییر شیوه‌های اداره کشور است که بپذیرند که گفتگو باشد، شورای

گفتگو باشد و ذی‌نفعان بتوانند دیدگاه‌هایشان را در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها مطرح سازند. مهم‌ترین شاخص در این رابطه، تصمیم‌گیری پشت درهای بسته است. اگر تصمیم‌گیری به این شیوه انجام شود، خود به خود مقاومت ایجاد می‌کند. در شرایط کنونی حتی در سلسله مراتب پایین دولت هم، به دلیل آنکه شرایط محیط در تصمیم‌گیری‌ها در نظر گرفته نشده است، نسبت به احکام و دستورات صادر شده مقاومت وجود دارد و سعی می‌کنند که برنامه‌های ابلاغ شده از بالا را با توجه به شرایط منطقه خود دچار انعطاف کرده و هماهنگ سازند. چه برسد به افرادی که خارج از بخش دولتی هستند. این ایجاد می‌کند که بازنگری روی این قضایا انجام بگیرد، به گونه‌ای که بتوان محیط تعاملی تری را به وجود آورد. این موضوع، در مورد آب از اهمیت بیشتری برخوردار است. ممکن است که در قسمت‌های اقتصادی دیگر تا حدودی سازوکار مناسب‌تر و متعادل‌تری را به وجود آورده باشیم، ولی در مورد آب، این کاستی بهره‌برداران را در موقعیتی قرار داده است که دست‌اندازی به حقوق یکدیگر را یک امر عادی تلقی می‌کنند.

حالا آقای کریمی‌پور موضوع را از زاویه تکالیف دولت دیدند، ولی همه قضایا به تکالیف دولت بر نمی‌گردد. بالاخره این کشور و منابع آن برای همه مردم است. باید کل مجموعه را دید. باید بررسی کرد که چه عواملی سبب ایجاد این حالت ناپایدار شده است. تنها منافع کوتاه مدت حاکم است و حقوق نسل‌های آینده اصلاً مطرح نیست؛ تا جایی که حتی افق دورتر برای یک نسل بعد هم، مورد تهدید قرار گرفته است.

**اشاره کردید که نهادینه نشدن باور کمبود آب در نزد مدیران و شتاب‌زدگی در سیاست‌گذاری، از آسیب‌های مدیریتی آب است. از طرفی تصمیم‌گیری پشت درهای بسته و به هم ریختگی مبانی اقتصادی آب، سودمند بودن ابزارهای اقتصادی در مدیریت آب را زیر سوال می‌برد. پرسش من این‌جاست که در این شرایط، اولویت‌ها چیست؟ چه زیرساخت‌هایی باید ایجاد شود تا بتوان از ابزارهای اقتصادی در مدیریت آب به درستی استفاده کرد؟**

**مهندس آریان:** همه اطلاع دارند که ابزارهای اقتصادی به تنهایی نمی‌توانند موثر واقع شوند. یعنی باوری که مورد اشاره من بوده، همان مساله‌ای است که مهندس اسفندیاری هم بر آن تاکید کردند. سه مجموعه مکانیزم برای مدیریت در اختیار داریم: مجموعه اداری و سلسله مراتبی، توافقات و مسایل فرهنگی و ابزارهای اقتصادی. واقعیت این است که ابزارهای اقتصادی زمانی می‌تواند کارکرد مناسبی داشته باشد، که دو مجموعه دیگر هم از آن پشتیبانی کند. هم توافقات و مسایل فرهنگی باید به موازات ابزارهای اقتصادی حرکت کند و هم مجموعه اداری و سلسله مراتبی نباید در جهت عکس عمل کند.

از دید من، بخشی از مشکل به همین مجموعه سلسله مراتبی باز می‌گردد. گاه حتی پیش از آن که مساله کاملاً روشن شود، هر کسی برای خودش یک راه حل شخصی ارائه می‌کند. چگونه می‌توان اوضاع را تغییر داد؟ باید شرایطی ایجاد کرد که حداقل افرادی که متولی آب هستند، درک درستی از مسایل داشته باشند. طبیعتاً ممکن است که لازم نباشد که همه بهره‌بردارها در خصوص تمام مسایل دانش نظری داشته باشند؛ اما حداقل در سطوح مختلف سیاست‌گذاری، بایستی درک و شناخت مناسبی از مسایل وجود داشته باشد.

**بحث را ببریم به سمت نظام قیمت‌گذاری مطلوب آب. چه شاخصه‌هایی در نظام صحیح نرخ‌گذاری آب باید در نظر گرفته شوند؟**

**مهندس آریان:** ببینید قیمت‌گذاری سه مولفه بسیار مهم دارد که این مولفه‌ها را ما تاکنون تعیین نکرده‌ایم. این مولفه‌ها یک استاندارد بین‌المللی دارد. اول از همه اینکه شما باید هزینه تمام شده را داشته باشید، که متأسفانه ما الان در سطح وزارت نیرو هزینه تمام شده آب را به تفکیک مختلف نداریم.

همان نمونه‌ای را که مهندس کریمی‌پور به عنوان مثال مطرح کردند، در نظر بگیرید؛ که در جایی مثل کرمان، طیف تفاوت هزینه تمام شده آب بین ۵۰۰ تومان تا ۱۵ هزار تومان است. این طیف هزینه برای همه شهرهای ایران مشخص نیست. یا مثلاً از سال ۱۳۶۲ قانون توزیع عادلانه آب، مثلاً برای آب کشاورزی می‌گوید سه درصد درآمد ناخالص، حالا این سه درصد چگونه به دست آمده است. چرا چهار درصد نیست؟ چرا پنج درصد نیست؟ چرا یک درصد نیست؟ اصلاً برای گذاشتن این قانون کارشناسی انجام شده است؟ از ابتدا پایه را اینگونه گذاشتیم، توقعی را ایجاد کردیم که تغییر آن خیلی سخت است. بنابراین حداقل مردم باید به صورت شفاف بدانند که هزینه تمام شده آب برای مصارف مختلف چقدر است و این، خود کمکی است برای فرهنگ‌سازی.

همان‌طور که اشاره کردند، هزینه تمام شده آب پای آب شیرین کن دو هزار تومان است. بعد از انجام یک انتقال می‌رسد به پنج هزار تومان، یعنی هزینه دو برابر و نیم می‌شود. بنابراین، هزینه تمام شده مساله چندان ساده‌ای نیست که به راحتی بگوییم، خوب محاسبه‌ای برایش انجام می‌دهیم و عددی ارائه می‌کنیم. من یادم است در دوره قبل، وزیر وقت دستور داده بودند که تا یک ماه دیگر هزینه آب را محاسبه کنید. در صورتی که این مهم پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. چرا که نوع مصرف، نقطه برداشت، همه این موارد بر هزینه تمام شده اثر گذارند. حتی بسیاری از مسوولین هزینه را با قیمت اشتباه می‌کنند.

در صورتی که قیمت، حداقل در خیلی از موارد، کاملاً با هزینه متفاوت است. هزینه تمام شده، هزینه‌ای

در عرصه آب، ایران تقریباً مانند سومالی است در عرصه اقتصاد. در یک منطقه، یک عامل پایه تولید می‌تواند قیمتی بین ۱۵۰ تومن تا ۱۰ هزار تومن داشته باشد. در نتیجه ادعای من که آب در ایران قیمت ندارد، ادعای درستی است. قیمت آب، بر اثر مداخلات دولت در ایران نامعلوم است

تاثیر زیادی بر سیاست‌های بهره‌برداری از آب دارد.

### پس عقیده دارید که در شرایط کنونی، تصحیح قیمت‌گذاری آب الزاما مهم‌ترین الویت اصلاح اقتصاد آب نیست و ممکن است که مثلا تصحیح یارانه‌های انرژی تاثیر بیشتری بر اقتصاد آب داشته باشد تا تصحیح قیمت‌گذاری آب؟

**مهندس اسفندیاری:** همین‌طور است. یارانه‌های انرژی عامل بسیار مهمی است که الان زمینه تاثیرگذاری بر طرح‌ها مطرح است، اگر قیمت‌های انرژی آن واقعی شود، تحول شگرفی ایجاد خواهد کرد. انتقال آب را در نظر بگیرید که گاه سیصد-چهارصد کیلومتر و آن هم با ارتفاع خیلی زیادی، انجام می‌شود. مثلا در مورد انتقال آب دریای خزر به ارومیه، آب را از عمق منفی ۲۰ متر می‌خواهیم ببریم به حدود ۱۳۰۰ متر، یعنی حدود هزار و ۳۰۰ متر می‌خواهیم آب را پمپاژ کرده و بالا بیاوریم. یا در بالادست زاینده‌رود، ما تا سیصد-چهارصد متر آب را پمپاژ کردیم و با هزینه ارزان در اختیار باغداران گذاشتیم که جنگل‌های بزرگ هلو و گردو به وجود بیاورند. به طور خلاصه امکان دست اندازی آب را در بالادست راحت‌تر کردیم و در نتیجه در پایین دست مشکل به وجود آمد. موضوع مالکیت آب که مطرح شد، به چنین قضایایی اشاره دارد. ما با آدرس غلط دادن به مسایل، به وسیله تدابیر اقتصادی در واقع انجام دست اندازی را تسهیل کرده‌ایم. در بسیاری موارد هنگام استفاده از ابزار اقتصادی، ابزارهای اقتصادی دیگر را فراموش می‌کنیم. با سیاست‌های نادرست در خصوص یارانه‌های انرژی، در خیلی از موارد عدم ثبات و پایداری را تشدید کرده‌ایم.

**مهندس آریان:** نرخ‌گذاری و تاثیر آن در مصرف آب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: (۱) آب زیرزمینی و توضیحاتی که مهندس اسفندیاری دادند و اهمیت و نقشی که نرخ انرژی در مصرف آب دارد و قبلا هم باعث شده است که به رغم این همه کف شکنی در چاه‌ها، باز هم برای بهره‌بردار صرف داشته باشد به این دلیل که برق ارزان در اختیارش قرار می‌گرفته است؛ که این باز هم یک ابزار اقتصادی است. منتها به صورت مستقیم برای خود آب، بلکه ابزاری که بر آب تاثیر گذاشته است. (۲) آب‌های مهار شده هستند که توضیحاتی که من دادم، مرتبط با این بخش بود. ایستگاه پمپاژ در آب‌های مهار شده خیلی مطرح نیست و بیشتر مصرف کشاورزی دارد؛ که البته مصرف شربش را می‌توان جدا کرد. (۳) آب‌های سطحی هستند.

**مهندس اسفندیاری:** توضیحی در خصوص بخشی از آب که توسط بازار محلی تامین می‌شود ارایه کنم که عرضه و تقاضا این بازار را شکل می‌دهد و در آنجا نرخ‌گذاری هیچ‌گاه اعتراضی را موجب نشده است. یعنی من هیچ‌گاه ندیده‌ام که آثار سیاسی قضیه در این مبادلات خیلی پررنگ باشد. ما می‌دانیم که در قراردادهای بازار محلی، گاهی حتی یک سوم تا یک دوم محصول هم به عنوان بهای آب تعیین



عده خودش است. (۲) نظامی که از بازار محلی آب را تامین می‌کند. (۳) نظامی که آب را از کارگزار دولتی تامین می‌کند. با در نظر گرفتن وزن قیمت‌گذاری در هر کدام از این نظام‌ها، متوجه خواهید شد که این بحث در کدام قسمت، اهمیت بیشتری می‌یابد. عمده برداشت ما از آب‌های زیرزمینی است. مثلا اگر ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب برداشت می‌کنیم، حدود ۶۰ میلیارد متر مکعب از آب زیرزمینی برداشت می‌شود، ۲۰-۳۰ میلیارد هم به شیوه‌های سنتی از چشمه‌ها که می‌شود حدود ۸۰ میلیارد متر مکعب. در محدوده طرح‌های دولتی، ما حدود ۲۰ میلیارد متر مکعب آب داریم که "نرخ‌گذاری" می‌شود. این اطلاعات را گفتیم؛ فقط از این بابت که ذهن‌ها متوجه این باشد که بحث "نرخ‌گذاری" روی چه میزان آب اثر دارد.

بنابراین ما عمدتا تحت تاثیر شرایطی از نظام آبی هستیم که خود بهره‌برداران مسوول امکانات و هزینه‌هایشان هستند، یعنی خود آن‌ها چاه می‌خرند، چاه حفر می‌کنند و بهره‌برداری انجام می‌دهند. بنابراین مهم‌ترین عاملی که به لحاظ اقتصادی بر این نظام اثر می‌گذارد، "هزینه انرژی" است. یارانه انرژی عامل تعیین کننده است. ما بیشتر اوقات آدرس را اشتباه می‌دهیم. و فکر می‌کنیم که اگر نرخ آب طرح‌ها را درست تعیین کردیم، مسایل مان حل خواهند شد.

برخلاف تصور رایج، بخش عمده استحصال آب کشور توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. و این بخش تحت تاثیر سایر سیاست‌های اقتصادی (به جز بخش آب) نیز است که ربط مستقیمی به نرخ‌گذاری دولتی آب ندارد. ما باید ببینیم که در زمینه استحصال آب زیرزمینی چه عوامل اقتصادی انگیزه‌ساز هستند. در بخش کشاورزی یارانه انرژی بسیار سنگینی، شاید در حدود یک بیستم قیمت برق، پرداخت می‌شود و یا در خصوص آب شیرین‌کن‌ها، اغلب در محاسبات می‌بینیم که هزینه‌های انرژی بسیار غیرواقعی است. می‌دانید که سازمان ملل اسمال شعار "آب و انرژی" را به‌عنوان شعار روز جهانی آب انتخاب کرده است. از این مناسبت هم می‌شود سود جست و تاکید کرد بر این حقیقت که سیاست‌های اقتصادی ما در مورد انرژی،

است که برای بهره‌بردار، سرمایه‌گذار بخش خصوصی و یا برای بخش دولتی با توجه به کلیه هزینه‌ها (شامل هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه، نگهداری و بهره‌برداری و سایر هزینه‌ها مثلا اجتماعی و زیست محیطی) از دید بخش دولتی قابل محاسبه است. این هزینه در مقطعی در وزارت نیرو محاسبه شده است، ولی هزینه به روز شده محاسبه نشده است. مولفه دیگری که باید در نظر گرفته شود، "توان پرداخت" است. بهره‌بردارهای مختلف توان پرداخت متفاوتی دارند، قطعا کشاورزی که در کرمان پسته می‌کارد، با کشاورزی که در سیستان و بلوچستان گندم می‌کارد، در این خصوص تفاوت دارونی توانیم بهای یکسانی را از آنان دریافت کنیم.

بنابراین یک وجه مهم قضیه توان پرداخت است که با قاطعیت می‌توانم بگویم که عموما به این قضیه اصلا پرداخته نشده است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته هم در بخش کشاورزی یارانه پرداخت می‌شود، منتها به شیوه‌های متفاوت از کشور ما. یعنی مشخص است که هزینه تمام شده چقدر است و مشخص است که برای چه قسمتی یارانه پرداخت می‌شود.

یک‌وجه دیگر این قضیه، "ارزش آب" است. تا زمانی که ارزش، توان پرداخت و هزینه تمام شده را نداشته باشید، نمی‌توانید قیمت مناسب را تعیین کنید. یعنی همه اینها باید معلوم باشد تا بتوانیم فرضا تعرفه مناسب برای مصارف مختلف را مشخص کنیم. در حال حاضر با رسیدن به این نقطه فاصله زیادی داریم. هم اکنون مسوولین، به راحتی، ارزش و قیمت را مترادف با هم فرض می‌کنند.

**مهندس اسفندیاری:** من می‌خواهم بحث را از این زاویه بررسی کنم که در چه زمانی به قیمت‌گذاری احتیاج داریم. هنگامی که مکانیزم‌های بازار را در اختیار نداشته باشیم، یا با آن‌ها اعتماد نداشته باشیم؛ به سراغ قیمت‌گذاری می‌رویم. مبنای نرخ‌گذاری آب در طرح‌های دولتی، طبق قانون، اعم از سرمایه‌گذاری، نگهداری و بهره‌برداری است. از نظر تصدی سرمایه‌گذاری‌ها، هم‌اکنون در کشور ما سه نوع نظام بهره‌برداری وجود دارد.

(۱) نظام خود کفا یا خودگردان؛ بدین ترتیب که خودش آب را استحصال می‌کند و هزینه‌ها هم بر

در خصوص نرخ‌گذاری آب هم می‌بینید که قوانین زیادی داریم و همیشه این قوانین به گونه‌ای اجرا می‌شود تا با اعتراضات کمتری در مجلس نسبت به نرخ‌های جدید آب روبرو شود. در نتیجه عملا از بخشی از ظرفیت‌های نرخ‌گذاری آب استفاده نمی‌شود

وزارت نیرو، قوه قضاییه و ضابطین قانونی تمام وظایف‌شان در حیطه آب را سال‌هاست که عملا تعطیل کرده‌اند. در این مملکت می‌شود چاه مجاز در دشت بحرانی زد، از آن بهره‌برداری کرد، چاه را برقی کرد و از تعرض به مال مردم و منافع افراد دیگر لذت کافی را برد

آب را به یک ابزار  
ناکار آمد تامین  
اجتماعی تبدیل  
کردیم که با فرض  
لایتناهی بودن، هر  
قدر خواستیم دست  
در جیب بی پایان  
آب کرده و به مردم  
بخشش کنیم

می‌کند؟  
واقعا این سوال پاسخ دانی نیست. اگر به قیمت ۱۰ هزار تومان بگیری، واقعا یک مطلب وحشتناکی است. یعنی با صدور پروانه هر حلقه چاه، ما قدرت تولید سالیانه کالایی به قیمت بازاری ۱۰ میلیارد تومان را منتقل می‌کنیم که طبعا باید ما به ازای آن، در اقتصاد ملی جایی لحاظ شود. پس نه تنها ارزش ذاتی آب در ایران معین نیست، بلکه واگذاری‌ها هم مبنای صحیح ندارد. آب در ایران، همان‌طور که قبلا توضیح دادیم، اصلا کالا نیست و بازاری برایش وجود ندارد.

دوستان توضیح دادند، اگر دو کشاورز به رییس سازمان آب مراجعه کنند، یکی بگوید: خاک زمین من به این دلایل نامرغوب شده است و درختانم آفت زده‌اند، اما مرغوبیت زراعی زمین‌ایشان سه برابر زمین من است و درختانش بسیار اقتصادی‌تر هستند؛ اجازه بدهید من این آب را با یک لوله ۵۰۰ متر آن طرف تر ببرم تا در زمین ایشان مصرف شود، چون هر مترمکعب این آب در آنجا پنج برابر مزرعه من تولید ارزش اقتصادی می‌کند، بلافاصله باین موضوع برخورد می‌شود. انتقال آب برای صرف در غالب مصارف بهره‌ورتر در ایران ممنوع است.

انتقال آب حتی با حفظ کاربری‌ها هم ممنوع است. فرضا من باغ پسته دارم، شما هم باغ پسته‌ای دارید و جابجایی آب بین دو باغ هم یک انتقال ۲۰۰ متری می‌خواهد؛ این در ایران مجاز نیست. البته در مورد صنعت استثنائاتی قابل شدند، ولی در مجموع انتقال آب در بین کاربری‌ها بسیار دشوار است.

نکته دوم در این خصوص، به تعریف غلطی برمی‌گردد که در حاکمیت انجام شد. وزارت نیرو را متکفل کردیم در فضای آب (که محور آن را آب مجانی، عمومی و بدون مالک قرار دادیم) تا کارهای سخت‌افزاری را انجام دهد. خوب وقتی ذات آب ارزش نداشته باشد، طبیعی است که توزیع و انتقالش هم قابل سرمایه‌گذاری نیست. اقتصاد پروژه، در غالب طرح‌های سخت‌افزاری آب ایران بی‌معناست؛ چرا که باید به هزینه روز تأسیساتی را بسازد و چیزی را تولید کند، اما حتی به یک دهم هزینه روز هم محصول تولیدیش را نمی‌تواند بفروشد.

طرح‌های سخت‌افزاری آب ایران همیشه طرح‌های ورشکسته‌ای است؛ که افتاده گردن وزارت نیرو، دولت نه تنها برای کشاورزی، برای همه مصارف حتی برای مصارف شهری، باید آب تقریبا مجانی تولید بکند و تحویل بدهد. هزینه این سفاهت ملی هم از جیب نفت تامین شده و می‌شود.

البته به محض اینکه ورودی مالی دولت از طریق فروش نفت کمی دچار اختلال شود، مساله انباشت بدهی‌ها در وزارت نیرو خودنمایی می‌کند. وزارت نیرو اندیکاتور وضعیت مالی دولت شده است. به محض اینکه شما می‌بینید پیمانکاران در وزارت نیرو داد می‌زنند، باید بفهمید که دوران کم بولی دولت شروع شده است؛ چون وزارت نیرو اولین وزارت است که مطالباتش توسط خزانه قطع می‌شود.

من تعبیر آقای ادیب را در این مورد می‌پذیرم که کار

## دیگری را باید در کنار نرخ‌گذاری آب به کار گرفت؟

**مهندس اسفندیاری:** برای روشن‌تر شدن بحث، می‌توان به تجربه برخی کشورها اشاره کرد، که به جای اینکه برای مردم نرخ‌گذاری کنند؛ سعی کردند که تاسیسات جانبی را به کسانی که از آن‌ها استفاده می‌کنند، واگذار کنند. مثلا شبکه‌های درج سه را به خود کشاورزان واگذار می‌کنند، هزینه‌های جانبی‌اش را هم به عهده خود آنان می‌گذارند؛ بعد خود کشاورزان نرخ‌گذاری می‌کنند. دیگر دولت در فکر برگرداندن همه هزینه‌ها نیست. می‌داند که اصلا در بحث کشاورزی، در هیچ جای دنیا برگرداندن همه هزینه‌ها مطرح نیست.

یا به عنوان مثال، هزینه‌های تامین آب را بر عهده بودجه عمومی دولت می‌گذارند که از طریق گرفتن مالیات، تامین می‌شود. بنابراین دیگر کشاورز هزینه تامین آب را نمی‌پردازد، بخشی هزینه‌های شبکه آبیاری را می‌پردازد. به این طریق، به جای اتکا کردن به نظام نرخ‌گذاری که مثلا در حال حاضر حدود ۱۰ درصد هزینه‌ها از طریق نرخ‌گذاری برگشت داده می‌شود؛ ۳۰ درصد هزینه‌ها را به خود کشاورزان واگذار می‌کنند و بعد خود کشاورزان، بدون دخالت دولت و فقط تحت نظارت وی، آب را میان خودشان مبادله می‌کنند. چون سیستم طرح‌های بزرگ تامین آب کشاورزی متمرکز است، توزیع آب مطابق نیازها امکان‌پذیر نیست، لذا همیشه در این سیستم‌ها نیاز به مبادله وجود دارد و اساس بازار نیز بر پایه مبادله است. یعنی کسی که نوبت آب دارد و به همه حجم آب خود نیاز ندارد، آب را واگذار می‌کند به کسی که در آن زمان به آب نیاز دارد و مبادله شکل می‌گیرد. توسعه مبادله، بازار را بوجود می‌آورد. در سراسر کشور ما، علی‌رغم اینکه قوانین ما خیلی بازدارنده هستند، چون این نیاز به مبادله وجود دارد؛ بازارها شکل گرفته‌اند، منتها دامنه آن‌ها محدود است.

پس یک راه حل می‌تواند این باشد که به جای اینکه دنبال نرخ‌گذاری برویم، تا حد ممکن مدیریت تامین و تصدی هزینه‌ها را به خود استفاده‌کنندگان و جامعه محلی واگذار کنیم. **مهندس کریمی‌پور:** در داستان نرخ‌گذاری پیچیدگی‌هایی وجود دارد که سعی خواهیم کرد آن را باز کنیم. دلیل اینکه من مدام به سراغ لایه‌های بالاتر می‌روم، این نیست که سوال شما فاقد اهمیت است؛ بلکه برای تأکید بر این موضوع است که اگر پی یک ساختمان را درست نریزید، تقویت آلمان‌های باربر طبقات همکف و فوقانی ساختمان چندان معنی نمی‌دهد.

در قیمت‌گذاری آب، آنچه که برای من مهم است، این است که آب در ایران قیمت ذاتی دارد یا ندارد؟ فرض کنید، طبق قوانین امروز به من آبی تخصیص داده می‌شود، از یک حلقه چاه در یک دشت برای سی لیتر در ثانیه. تا دیروز من این اجازه را نداشتم، از امروز این حق به من واگذار می‌شود. متر مکعب آبی که من در طول یک سال از یک چاه سی لیتری برداشت می‌کنم و تقریبا یک میلیون متر مکعب است؛ چقدر به من ارزش اقتصادی مستقیم منتقل

می‌شود؛ ولی هیچ موقع اعتراضی پیش نمی‌آید. اما در نرخ‌گذاری دولتی، وقتی به جای مثلا ۲۵ درصد بازار محلی، شما سه درصد را هم بخواهید بگیری؛ همیشه مقاومت وجود دارد و بحث مشکلات کشاورزان و کشاورزی مطرح می‌شود.

لذا هر چقدر که سعی کنیم مکانسیم‌های بازار و بازار رقابتی را تقویت کنیم، مشکلات سیاسی نرخ‌گذاری هم کمتر می‌شود. یعنی موضوع را تا جایی که می‌شود به خود تشکلهای کشاورزان واگذار کنیم، به جای اینکه مدام بخواهیم دخالت‌های دولت را گسترده بکنیم. بهتر آن است که محیط نرخ‌گذاری، بازار رقابتی باشد که معمولا در دسرهای کمتری دارد. چرا که یکی از چالش‌های نرخ‌گذاری دولت در همه دنیا، مساله اقتصاد سیاسی است و مقاومت‌هایی که در برابر آن انجام می‌شود. وضع نرخ‌گذاری طرح‌های دولتی سایر کشورها چندان بهتر از ایران نیست؛ چرا که در کل، نرخ‌گذاری توسط دولت مشکلات زیادی دارد.

**مهندس آریان:** هرچند حجم آبی که دولت متولی آن است، نسبت به کل آب، کمتر از دو بخش دیگر است؛ ولی هزینه‌هایی که برای این حجم کم آب خرج شده است، خیلی بیشتر از هزینه‌هایی است که برای دیگر بخش‌های آب زیرزمینی صرف شده است. در نتیجه باید فکری برای این هزینه‌ها کرد.

حداقل باید چندین مطالعه در این خصوص انجام بگیرد که ببینیم که بازارهای محلی و تاسیسات دولتی را چگونه می‌شود با همدیگر تلفیق کرد. بازارهای محلی آب خیلی کم دامنه و کوچک هستند و مثلا شبیه مساله برق نیست که یک بازار برق راه بیندازیم. "بازار آب" هم از موضوعاتی است که سوزه صحبت مسوولین شده است، گویی فکر می‌کنند که الان نسخه تمام مشکلات این است که دولت بازار آب را دوباره راه‌اندازی کند. در صورتی که راه‌اندازی بازار اصلا با دولت نیست. تطبیق آن بازارهای کوچک با این تاسیسات عظیم و پر هزینه، خودش واقعا یک چالش است که باید بررسی شود.

مهندس اسفندیاری توضیح دادند که یک سری بازارهای محلی وجود دارد که به صورت خودپو و بدون دخالت دولت، نرخ را تعیین می‌کند. من می‌گویم که درست است که این بازارها وجود دارد، ولی در بازارهای محلی مبادله آب به اشکال مختلف انجام می‌شود؛ در برخی موارد حتی معامله پایاپای انجام می‌شود؛ مثلا دو نفر نوبت آب خود را با یکدیگر عوض می‌کنند. از طرف دیگر، در تاسیسات دولتی علی‌رغم حجم کمی که در کل آب دارد، هزینه بسیاری صرف شده است و حتی جایگزین کردن با بازسازی آن باز هم هزینه‌بر است. از همین رو تلفیق این بازارهای محلی با تاسیسات دولتی کار می‌برد و به تدبیر احتیاج دارد. و نمی‌توان گفت که اگر ما این دو را تلفیق کردیم و یا تعداد بازارها را افزایش دادیم؛ مشکل‌مان به راحتی حل خواهد شد.

**نرخ‌گذاری آب در چه شرایطی می‌تواند موفق باشد؟ و چه ابزارهای اقتصادی**

هنوز هم نگاه مجلس  
به آب نگاه صدقه  
است. سخن اصلی  
خیلی از نمایندگان  
مجلس این است که  
آب بدهید به  
فرد فقیر، آب بدهید  
به فرد گرفتار؛ تا  
وظیفه تامین  
اجتماعی دولت اتفاق  
افتاده و حاکمیت  
قلوب را تسخیر کند



امروز، کالیفرنیا مثل ما در بحران استراتژیک توازن آب است. درست است که در کالیفرنیا خشکسالی می‌بینیم و جمع‌بندی متخصصین کالیفرنیا این است که ما یک دوره‌ای از خشکسالی معنی‌دار را داریم ولی ماجرای کالیفرنیا، مثل ما، ماجرای این است که تقاضا برای مصرف رشد دیوانه وار داشته است. چالشی که در فضای آب کالیفرنیا وجود دارد، به عقیده من برای ما درس‌های بزرگی است. آبی که در کالیفرنیا مصرف می‌شود، غالباً از صدها کیلومتر دورتر می‌آید. تاریخچه برخی طرح‌های استحصال و انتقال آب فعال، به اوایل قرن قبل میلادی برمی‌گردد.

روال این طور بوده که دولت یا گروهی از کاربران متقاضی مصرف، منبع آب حیات نشده‌ای را معرفی و طرحی برای انتقال آن تهیه می‌کردند. کلیات طرح، بررسی و اجازه فدرال (برای طرح‌های بین ایالتی) یا اجازه ایالتی برای طرح‌های محلی اخذ می‌شد. بعد شرکت سهامی متشکل از مصرف‌کنندگان کار اجرا و بهره‌برداری سد، خط انتقال و شبکه توزیع را عهده‌دار می‌شد. هر کس به میزان سرمایه‌گذاری از آب تولیدی سهم داشت. هم اصل سهم شرکت و هم سهمیه سالیانه قابل خرید و فروش بود. پس هم سرمایه‌گذاری، هم ساخت و هم مدیریت طرح آبی توسط یک "شرکت آب بران" سامان می‌یافت. این صاحبان سهام بودند که هر نوع تعرض به منابع آب طرح را پیگیری و رفع می‌کردند. تجربه کالیفرنیا می‌گوید سامان‌دهی به آب با بخش نامه حاصل نمی‌شود، چرا که مردم به بخش نامه توجه نمی‌کنند. سامان با "خلق بازار آب" ایجاد می‌شود. در کالیفرنیا هر کسی اجازه فروش آب به مصرف‌کننده دیگر را دارد. مصرف‌کنندگان بزرگ کالیفرنیا و به‌خصوص لس آنجلس، کشاورزان و صنایع هستند.

می‌بینید که در سال‌های کم آبی، غالباً جوکارها در کالیفرنیا تصمیم می‌گیرند سهم آب خود را به پسته کارها بفروشند. چرا که محاسبه نشان می‌دهد در آن سال کاشت جو صرف کمتری خواهد داشت. و یا می‌بینید که خود شهر لس آنجلس در بعضی فصل‌ها خریدار آب است و در بعضی فصل‌ها فروشنده آب. یک بازار کاملاً رقابتی برای آب ایجاد شده است که اطمینان می‌دهد هر متر مکعب آب در بهره‌ورترین جا، صرف خواهد شد.

اگر من اجازه حیات از منابعی را داشته باشم و حجم

به وزیر نیرو، معاون وزیر نیرو، به یک مدیرکل و یا کارمندان وزارت نیرو حرفی نزد. اتفاقی در این مملکت نیفتاد. نه هیچ کس برکنار شد، نه با کسی برخورد شد و نه کسی زیر سوال رفت. پس معلوم است که حاکمیت، مساله حفاظت آب را جدی تلقی نمی‌کند. اما همین ستاد وزارت نیرو، اگر چند ماه پرداخت حقوق کارمندان عقب بیفتند؛ غوغا می‌شود. یا تصور کنید به نمایندگان مجلس بگویید منبع برای تامین هزینه سفرهای خارجی یا افزایش ترمیم حقوق قانونی تان نداریم یا نهارخوری مجلس یک روز تعطیل شود، بلوا می‌شود. این که گاندی می‌گوید اولویت‌ها را از عملکردها تشخیص دهید، همین جاست. امنیت آبی صاحب ندارد.

در سال‌های اخیر اولویت ستاد وزارت نیرو یا هر ستاد دولتی دیگر، حفظ لشکر کارمندان و پرداخت مخارج سازمان و حقوق پرسنل بوده است. این بودجه‌ای است که هیچ‌وقت از رشد نمی‌ایستد و در دو سال اخیر کل بودجه عمرانی را بلعیده است. آنچه که اصلاً در این مملکت اولویت نیست، حفاظت از منابع آب و تعادل بخشیدن به مصرف آب است. این نکته‌ای بود که می‌خواستیم عرض کنیم. به جای اینکه سوال اول شما در اقتصاد آب در مورد نرخ‌گذاری و قیمت‌گذاری آب باشد؛ باید پرسید در وزارت نیرو که وقتی به نمایندگی دولت می‌خواهی به حوزه ابزار اقتصادی نرخ و تنظیم بازار ورود کنی؛ هدف چیست؟ اولویت کدام است؟

اگر با بسیاری از مدیران میانی وزارت نیرو که متصدی جمع و جور کردن هزینه - درآمد سازمان و مطالبات کارمندان هستند، صحبت کنید؛ می‌بینید که هدف اول مدیر درمانده، تامین منابع نیروی انسانی است. پس این که می‌بینید مدیران آب استان‌ها می‌گویند هفت تومن آب کشاورزی سطحی را مثلاً بکنم ۱۰ تومن، برای آن‌ها به مفهوم اصلاح درآمد - هزینه سازمان است. والا ۷ تومن و ده تومن از نظر اقتصاد آب، هر دو صفر مطلق است.

هر وزیری هم که سرکار بیاید، ناچار است که این گونه باشد. این ایراد وزیر نیست، بلکه ایراد سازمان و ساختار و میراث بوروکراسی کور ماست. بگذریم. به عقیده من، قبل از هر بحثی در مورد نرخ‌گذاری، باید به این سوال پاسخ داد: قیمت ذاتی آب در ایران چقدر است؟ کم آبی در کالیفرنیا را در نظر بگیرید.

اصولی دولت ایران، اداره یک شبکه تامین اجتماعی است. شبکه‌ای مضحک که ثروت ملی را به صورتی غیر قابل تداوم توزیع می‌کند و یک ملت سرحال و دارا را به ورطه سقوط اقتصادی می‌برد. همین تورم نیروی دولتی را ببینید. اگر برای انجام کاری به یک کارمند نیاز است، امروز که به دولت نگاه می‌کنید؛ به طور متوسط برای آن کار بین دوازده تا پانزده کارمند استخدام شده است. چرا؟ تا بچه‌های مردم سر کار بروند ولو چنین ریخت و پاشی ریشه همین مردم را بسوزاند.

پس بر دوش وزیر نیرو، یک مجموعه سنگین تعهدات پرسنلی هست. امروز وقتی که در جلسات با مسوولین وزارت، خصوصاً با مدیران میانی، از قیمت‌گذاری آب سخن می‌گوییم؛ "منبع تامین منابع" برایشان تداعی می‌شود. این دو موضوع در ذهن آقایان مترادف شده است. بزرگ شدن بدنه وزارت نیرو، پرداخت حقوق و مزایای لشکر بزرگ کارمندان و بدهی‌های انبوه و انباشته؛ بر دوش وزارت خانه سنگینی می‌کند. رمقی برای کار ستادی و اندیشه‌ورزی نمی‌ماند.

اما قیمت آب مساله کاملاً جداگانه‌ای است که ماموریت دولت بوده و کاملاً فراموش شده است. ما در کشوری هستیم که گفته می‌شد بوم آن ۱۳۷ میلیارد متر مکعب آب تجدید پذیر تولید می‌کند. امروز می‌گویند که اگر خیلی دست بالا فرض کنیم، با تغییرات هیدرولوژی و با تخریب منابع آب که در کشور اتفاق افتاده است؛ به ۱۲۰ میلیارد متر مکعب کاهش یافته است. ما داریم پتانسیل تولید آب در این کشور را از بین می‌بریم و ریشه کن می‌کنیم. آموزه‌های جهانی می‌گویند؛ کشور پایدار کشوری است که حداکثر ۴۰ درصد از ذخایر آب را استفاده کند، اما ما ۸۵ درصد آن را مصرف می‌کنیم. منابع آب را نابود کرده و طبیعت را ویران می‌کنیم. مراکز تهدید عظیم فرانسلی مثل "بمب نمکی ارومیه" را ایجاد می‌کنیم. تمام تالاب‌های کشور را بهم می‌ریزیم. این کشوری که هفت هزار سال گهواره تمدن جهان و مامن بشر بوده است را، داریم دستی دستی ریشه‌کن می‌کنیم.

حرف من این است که مصرف ۸۵ درصدی آب شیرین تجدید پذیر را باید سوق دهیم به سمت آن ۴۰ درصد. ۴۰ درصد یعنی ۵۰ میلیارد متر مکعب. ما، طبق ترم بین الملل، ۵۰ میلیارد متر مکعب اضافه برداشت داریم. اگر رویه معمول کشورهای شکست خورده در منابع آب (توم بحران زده‌ها)، یعنی ۶۰ درصد را هم قبول کنیم؛ باز هم باید بیش از ۲۵ میلیارد متر مکعب کاهش مصرف سالیانه بدهیم. البته اسناد وزارت نیرو تا همین دو سال پیش هدف‌گذاری کاهش مصرف سالیانه ۱۰ میلیارد متر مکعب را در برداشت.

نگاه من به مساله قیمت آب، از بعد ملی است. نمی‌گویم وزارت نیرو دغدغه ندارد. در وزارت نیرو هم ایرانی فهیم دردمند کم نیست. اما نتیجه کار حاکمیت را ببینید. برنامه چهارم، تکلیف کرده است که برداشت از ذخایر را ۲۵ درصد کاهش بدهیم، اما ۶۵ درصد اضافه برداشت اتفاق افتاد. هیچ کسی

**بحث اساسی این است که تدابیر اقتصادی در فضایی که دولت خواهد به تنهایی عمل کند، جواب نخواهد داد. یعنی موضوع اصلی تغییر شیوه‌های اداره کشور است که پذیرند که گفتگو باشد، شورای گفتگو باشد و ذی‌نفعان بتوانند دیدگاه‌هایشان را در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها مطرح سازند**

برداشت من از این منابع، یک میلیون مترمربع باشد، امروز در کالیفرنیا، این فرضا به معنی یک میلیون "بیست سنتی" است. اگر کاربری به منابع آب تجاوز کند، همین تشکل بزرگ و قدرتمند آب بران که مثلا هزار کاربر دارد؛ جلوی وی می‌ایستد، وکیل می‌گیرد و با جمع آوری شواهد و اطلاعات، به دادگاه می‌رود. پس اگر آب در مجموعه‌ای قیمت داشته باشد و حقوق مالکانه بر آب (حیازت یا مالکیت) معلوم و مشخص باشد، این مکانیسم جامعه است که چند کار انجام می‌دهد. (۱) آب را می‌برد به جایی که ارزش اقتصادی بیشتری تولید می‌کند. (۲) از تخریب منابع آب و مصرف غیر معقول آن جلوگیری می‌کند. پس شمایلی که از نرخ صحبت می‌کنید، باید از مخاطبت بررسی اصلا نیت تو در پرداختن به قصه آب چیست؟ نیت اولیه مدیران دولتی ما در بخش آب کشور اول پرداخت هزینه سازمان و حقوق لشکر پرسنل، دوم پرداخت بدهی‌های انباشته پیمانکاران و سوم کمک به فقرا از طریق تقسیم رابین هودی آب تنزل پیدا کرده است. اصلا کار وزارت نیرو ساختن سد نیست. وزارت نیرو باید یک ستاد غنی کارشناسی درجه یک جمع و جور باشد، برنامه ریزی انجام دهد و مساله حاکمیت را حل بکند؛ یک ستاد سبک‌سیاست‌گذار.

**مهندس اسفندیاری:** در شرایط مورد اشاره مهندس کریمی‌پور، قیمت‌گذاری دولت بیشتر از اینکه ابزار اقتصادی باشد، به ابزار اداری تبدیل می‌شود. لذا برای اینکه قیمت‌گذاری واقعا ابزار اقتصادی باشد، باید در محیط غیر دولتی یا تعاونی انجام شود و برای تحقق این امر، باید تدابیری برای سازماندهی کار اندیشید. زمانی که بحث سد طالقان مطرح شد، وزیر وقت نیرو پیشنهاد داد که شرکتی در بخش خصوصی ایجاد شود و قبل از اجرا شدن طرح، آب را پیش فروش و از این طریق سرمایه جمع کند؛ و بعد سد سازماندهی و تامین مالی بشود و قس علی هذا. اگر ماچند تجربه در این زمینه داشته باشیم، باور خواهیم کرد که بسیاری از کارها را می‌شود با سازماندهی بهتری انجام داد؛ تا اینکه بخواهیم همه کارها را به دوش دولت بیندازیم که گسترش یافتن دخالت‌های دولت از آثار آن خواهد بود.

**مهندس کریمی‌پور:** این سازمان‌های مردمی را ما در ایران داشته‌ایم. قنات‌ها قرن‌ها با نظم حیرت‌آوری به همین شیوه طراحی، احداث و نگهداری می‌شدند. **مهندس اسفندیاری:** اصلا خود قنات یک سیستم مشاع است که مالکیت فردی ندارد. در گذشته در زمانی که تصمیم ساخت قنات در منطقه‌ای گرفته می‌شد، سرمایه‌گذاری جمعی انجام می‌شد و مجموعه‌ای از یک روستا یا چند روستا، نظامی را تشکیل می‌دادند که این نظام کاملا با نظام مالکیت مشاع که در منابع آب زیرزمینی مطرح است؛ مطابقت داشت و به این شیوه تامین هزینه می‌شد. ده‌ها سال طول می‌کشید تا این قنات احداث می‌شد و در نظام بسیار سنجیده‌ای، به جای اینکه توزیع حجمی آب را مبنا قرار دهند، توزیع زمانی آب را مبنا

قرار می‌دادند. با هزینه بسیار کمی و بر اساس سنجش زمانی دقیق و مدار گردش آب، منبع محدود آب را بین افراد مختلف، با دقتی بسیار بالایی توزیع می‌کردند. هزینه‌ها را هم با نظام بسیار جالبی (که مردم‌شناسان ما از جمله آقای صفی‌نژاد روی آن کار کرده‌اند)، بین خودشان توزیع می‌کردند. می‌دانید که قنات‌ها سند مالکیت دارند، آب آن‌ها خرید و فروش می‌شود و بازار محلی آب مناسبی هم دارند.

از نظر بازار آب نمونه خیلی بزرگی را در کشور داریم در منطقه "موجن شاهرود"، که در سال ۱۳۴۱ یک شرکت خصوصی سهامی در آنجا تشکیل شد، به نام شرکت آبیاری موجن، که کلیه صاحبان آب و زمین، در شرکت سهام‌دار شدند. این شرکت هنوز با برجاست و در سال ۱۳۹۱ پنجاهمین سال بهره‌برداری‌اش را جشن گرفت. این شرکت هم اکنون هزار سهام‌دار دارد و موجن به یک شهر تبدیل شده است. علاوه بر آن نظام آبیاری بسیار جالبی دارد، چرا که علاوه بر آب خود رودخانه داستان؛ چند قنات و چند حلقه چاه نیز ایشان را به این شبکه آبیاری می‌ریزند. تمام صاحبان سهام کوپن‌هایی دارند، علاوه بر سندی که خود شرکت برای آن‌ها صادر کرده است، که این کوپن‌ها سهم آب سالانه را در مدار گردش آب مشخص می‌کند و هم سند و هم کوپن‌ها قابلیت خرید و فروش دارند؛ از طرفی، سندی که خود شرکت درست کرده است، آن قدر در محل اعتبار دارد که می‌توانند آن را به عنوان وثیقه در بانک بگذارند و اعتبار هم بگیرند. یعنی یک بازار آب کامل ایجاد شده است؛ که هم برای خرید و فروش داریم پروانه‌های صادره خود شرکت امکان ایجاد شده است و هم برای فروش نوبت‌های ساعتی آب بر اساس کوپن‌ها. این مورد، یک نمونه تکامل یافته‌تر از مثال مورد اشاره در خصوص قنات‌ها است و هم اکنون در کشور وجود دارد.

**مهندس کریمی‌پور:** و اکنون، این تجربه‌های پنج هزار ساله مردم، با اتخاذ رویکردهای ناصحیح حاکمیتی ویران شده است.

**آیادر همین شرایط و ساختار موجود (با همه کاستی‌هایی که اشاره کردید)، نمی‌توان با شناسایی ابزارهای موثر اقتصادی در مدیریت آب؛ الویت‌گذاری کرد؟**

**مهندس آریان:** به عقیده من (همان‌طور که خود آقای مهندس کریمی‌پور نیز پیش از شروع میزگرد اشاره کردند)، نمی‌توانیم وضعیتی را که در آن قرار داریم، با همه این کاستی‌ها و با وزارت نیرو را با این جمعیت و ساختار؛ با کالیفرنیا شبیه‌سازی کنیم. البته تجارب آن‌ها بسیار مفید و قابل استفاده است. اما من فکر می‌کنم که مهم این است که ببینیم از این به بعد چه می‌توانیم بکنیم. من با صحبت مهندس کریمی‌پور موافقم که اول باید هدف را مشخص کنیم. حقوق کارمندان هم یکی از دغدغه‌هاست که نمی‌شود آن را نادیده گرفت، ولی مهم آن است که اکنون چه سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کنیم و آن‌ها را چگونه به کار بگیریم.

به عبارت دیگر، مساله مهم در انتقال تجارب بین‌المللی بومی‌سازی آن است. **مهندس کریمی‌پور:** بگذارید برای روشن شدن حرفم مثالی بزنم. سن و سال ما به گونه‌ای است که گاه در دعوای خانوادگی طرف مشورت قرار می‌گیریم. اغلب، پند و اندرز می‌دهیم که دخترم تو کمی بهتر رفتار کن، پسرم تو کمی کوتاه بیا و شب آن‌ها را به خانه می‌فرستیم. با ارایه راه حل‌های این‌چنینی، مساله ظرف یک هفته برمی‌گردد. این دفعه با چشم‌پوشی و یک شکایت در کلاستر.

عرض من این است که قدم اول، برخورد مسوولانه با مسایل است. من نیز معتقدم که بالاخره امروز فرهنگ آبی، سازمان آب، وزارتخانه و کشور ما همین است که می‌بینیم. نمی‌توانیم با خیال بافی به سازماندهی آب در کالیفرنیا نگاه کنیم. ولی آن چه که من در تجربه این چند سال و برخورد با مجلس و دولت، به آن رسیده‌ام؛ این است که در قدم ما باید دراییم که مشکل از کجا نشأت گرفته است.

مشکل از مداخله سرمستانه و غیر مسوولانه حاکمیت ایجاد شد که همچنان تداوم دارد. اگر من از وزارت نیرو سخن می‌گویم، به این معنی نیست که وزارت نیرو را دشمن منابع آب کشور می‌دانم. مدیران و کارشناسان دولت هم بچه‌های همین آب و خاک‌اند. لیکن در چمبره بوروکراسی خراب گیر کرده‌اند. اگر بپرسند تهدید بزرگ آب چیست؟ خواهیم گفت تصویب برخی قوانین ناکارآمد در مجلس. خواهیم گفت تمایل بی‌پایان نمایندگان به مصرف توزیع بی‌پایان آب در حوزه نمایندگی. خواهیم گفت تبدیل آب به وسیله توزیع ثروت. خواهیم گفت ترک وظیفه حفاظت آب از سوی وزارت نیرو، قوه قضاییه و نیروی انتظامی. اگر این قضایا را در کشور درک نکنیم، بقیه صحبت‌ها تعارف است. ما امروز باید از مجلس شورای اسلامی خواهش کنیم که دیگر در آب چیزی تصویب نکنند. من برای این حرف دلیل دارم. شما مصوبات آبی مهم مجلس در سال‌های بعد از انقلاب را نگاه کنید. سه یا چهار بار در خصوص چاه‌های غیر مجاز مصوباتی داشته است، که برای مجاز شدن آن‌ها بسترسازی می‌کند. آخرین مورد از این مصوبات، مربوط به زمستان ۱۳۸۹ است.

البته در آخرین مصوبه، در قیاس با مصوبات قبلی، مجلس راه طولانی را پیموده است و با فشار شورای نگهبان، شرط و شروطهایی هم برای این امر پذیرفته است. اما امروز مانع برخورد با چاه‌های غیرمجاز چه کسی است؟

مجلس قانون‌گذار در این کشور، باید به این باور نرسد که آب بی‌پایان نیست. باید باور کنند که حوزه محل‌های نمایندگی آنان دارد نبود می‌شود. بیست سال بعد دیگر بینا لودی نخواهیم داشت. از بسیاری از مناطق جمعیتی همدان که قدمت آن‌ها به دوره مادها بر می‌گردد، تا ده سال بعد دیگر اثری نخواهد بود. ما مکتبی را که خداوند هفت هزار سال مهد تمدن قرار داده است، داریم تبدیل می‌کنیم به بیابان‌های لم یزرع عربستان. ما با بلاهت‌مان در دریاچه ارومیه، داریم ریشه تمدنی آذری را در شمال غرب در می‌آوریم. این کاری است که هیچ دشمنی

واقعیت این است که ابزارهای اقتصادی زمانی می‌تواند کارکرد مناسبی داشته باشد، که دو مجموعه دیگر هم از آن پشتیبانی کنند. هم توافقات و مسایل فرهنگی باید به موازات ابزارهای اقتصادی حرکت کند و هم مجموعه اداری و سلسله مراتبی نباید در جهت عکس، عمل کند

در برخورد با مشکلات آب، مساله اصلی را این می‌دانند که مردم در آب صرفه‌جویی نمی‌کنند و بعد هم مطرح می‌شود که با قیمت‌گذاری‌های بهتر بتوانیم مردم را به صرفه‌جویی وادار کنیم. این برخورد، آدرس غلط دادن به مسایل است

**«بازار آب» هم از موضوعاتی است که سوژه صحبت مسوولین شده است، گویی فکر می کنند که الان نسخه تمام مشکلات این است که دولت بازار آب را دوباره راه اندازی کند. در صورتی که راه اندازی بازار اصلا با دولت نیست**

نتوانست انجام دهد. ایران بی آذربایجان برای من قابل تصور نیست. این باید نگرانی نمایندگان مجلس و سایر مسوولان کشور باشد. مردم فهیم هستند، به آینده علاقه دارند و می خواهند که نسل های بعدی نیز بتوانند در این دشت ها زندگی کنند. اما در عرصه ای که شما ایجاد کرده اید و آب را به یک چیز بی صاحب تبدیل کرده اید، نفع شخصی مردم لاجرم در غارت است و مردم هم دارند با تمام قدرت غارت می کنند. در گفت و گوهای پیش از شروع میزگرد، یکی از دوستان به سهم مردم در مساله بحران آب اشاره کرد. من می گویم قواعد بازی را حکومت ها ترسیم می کنند. اصلا تعریف حکومت این است. اکنون در حکومت ما، تجربه پنج هزار ساله مردم در مساله مالکیت آب نفی می شود و آموزه های اساسی اسلام که می گوید طبیعت و دبعه الهی است و با محور حیات اجازه نمی دهد که آب بی صاحب و بی حساب و کتاب باشد کنار گذاشته می شود.

آب را در کشور فاقد مالکیت کرده ایم. خوب چیزی که مالک ندارد، غارت می شود. این طبیعت اقتصاد است. چیزی که می تواند در یک منطقه تا ۱۰ هزار تومن خرید و فروش شود، اما ارزش ذاتی اش در همان منطقه مشخص نیست، طبیعتا غارت می شود. شما خزانه بانک ملی را کنار خیابان فردوسی بگذارید. مردم ذاتا دزد نیستند، اما اگر کسی رد شود و جیبش را پر نکند؛ عاقلان می گویند این آدم بله است. این، ماجرای آب در این مملکت است.

برای حل مساله آب باید بدانیم که محور به هم ریختگی آب در ایران، حاکمیت است. تا زمانی که حاکمیت در ایران رفتار و اولویت هایش را تغییر ندهد، هیچ اتفاقی در راستای بهبود نخواهد افتاد. ببینید امروز آقای کلاتری را برای سامان دادن به موضوع ارومیه فرستادیم. شاید بهتر از کلاتری در ایران برای اینکار نداشته باشیم. هم سیاسی است، هم وزیر بوده، هم سازمان را خوب می شناسد، هم فهم علمی نسبت به ماجرا دارد، هم محلی است، هم جنگجوست و تیمی هم که جمع کرده است؛ تیم خوبی است. اما من از الان پیش بینی می کنم که اگر در رفتار حاکمیت و تعیین اولویت ها تغییری اتفاق نیفتد؛ تیمی که به ارومیه رفته است، هیچ نتیجه و دستاوردی نخواهد داشت.

شکی نیست که دولت موجود نسبت به دولت های قبلی در فهم موضوع چند قدم جلو است. در ورود به موضوع و ادبیات موضوع، دولت چند قدم جلوتر است. اما در صحنه عمل، در تغییرات ساختاری در وضعیت آب و در میل به تغییرات حاکمیتی، ما نه در دولت اتفاقی می بینیم، نه در مجلس و نه در قوه قضاییه. در این کشور به دشت ها تجاوز شده است. به منابع آب و آینده دشت های ایرانی تجاوز شده است. قانون تکلیف می کند چاه دزدی غیر مجاز دغفن شود، سراسر مملکت، به تایید وزارت نیرو، پر از چاه های غیر مجاز است. پس وزارت نیرو چکار می کند؟ قوه قضاییه در قبال این دزدی خائن سوز چکار می کند؟ دزدی که از جیب بنده و از خانه ایشان دزدی می کند، به یک نفر تعدی

کرده است. اما کسی که به منابع آب تعدی می کند، به آینده و ثبات منطقه تعدی می کند؛ ولی وزارت نیرو شاهد است و قوه قضاییه هم بر خوردی نمی کند. من نه تک تک قضات را مسوول می دانم، نه تک تک نمایندگان و نه تک تک مسوولین را. فرهنگ باید در حاکمیت عوض شود. من کشاورز باید بدانم که بزرگترین مشکل، در رفتار غلط حاکمیت با آب نهفته است. باید بدانم مشکل آب برای مسوول تهران نشین اگر یک عدد و رقم است برای خانواده من سوال بودن یا نبودن است. اگر بخواهیم اتفاقی در عرصه آب بیفتد، آن اتفاق باید از این نقطه شروع شود. مردم باید تغییر رفتار سبک سرانه حاکمیت را مطالبه کنند. به نمایندگی های نوکری آب را نکنند، نباید رای داد. قواعد بازی باید تغییر کند. مردم باید ببینند که دزدی آب عقوبت دارد و عقوبت آن از دزدی اتومبیل هم سنگین تر است؛ چون دو نفر شاکی دزد آب می شوند، یکی آب بر مجاور و دیگری حاکمیت... اما اکنون برای مواجهه با دزد آب، دست کار بر مجاور بسته است. کاری نمی تواند بکند. قوه قضاییه و نیروی انتظامی هم کاری نمی کنند. این فضا در کشور باید عوض شود تا اتفاقی در مساله آب بیفتد.

**مهندس اسفندیاری:** موضوع این جاست که در برخورد با مشکلات آب، مساله اصلی را این می دانند که مردم در آب صرفه جویی نمی کنند و بعد هم مطرح می شود که با قیمت گذاری های بهتر بتوانیم مردم را به صرفه جویی وادار کنیم. این برخورد، آدرس غلط دادن به مسایل است. مثلا در مورد حجم آب و نظام بهره برداری اشاره کردم که داریم آدرس غلط می دهیم و قیمت گذاری انرژی مهم تر از قیمت گذاری آب است. اینجا هم همین طور، اینجا ما داریم مساله را به خود مردم برمی گردانیم و زمینه هایی که باعث رعایت نشدن حقوق بهره برداران شده است را، کمرنگ جلوه می دهیم.

طبیعتا رفتار یک گروه اجتماعی بسیار تابع شرایط روانی و روحی حاکم بر کل مجموعه است. آیا افق خوشبینانه و دراز مدت را می تواند در نظر بگیرد؛ یا اینکه فقط قانون جنگل حاکم است که هر چقدر بیشتر بهره برداری کردی، بازی را برده ای؟ مسوول شرایطی که الان از نظر حقوقی بر بهره برداران ما حاکم است، در درجه اول، خود ترتیبات حکومتی است؛ اعم از قوه مقننه، قوه قضاییه و قوه مجریه.

پارسال از مجتمعی بین راه تهران و ساوه بازدید کردم، که شامل حدود ۵۳۰۰ هکتار باغ پسته بود و در گوشه ای از آبخوان منطقه بهره برداری می کردند که این آبخوان دیگر جواب نمی داد. کشاورزان آنجا ۵۳۰۰ هکتار پسته داشتند و تازه بعد از ۲۰ سال که پسته هایشان به ثمر رسیده بود؛ این آبخوان در حال پایین رفتن بود. طبیعتا آن ها به دلیل ارتباط و انسجامی که بین خودشان داشتند، می توانستند مسایل را خیلی خوب حل و فصل بکنند. ولی درصد بودند که از پساب تهران استفاده کنند، حتی هزینه هایی هم برای توسعه کار بپردازند و خیلی باور نداشتند که باید بیشتر به حفظ یک سفره متکی باشند، بلکه بیشتر مایل بودند که آب جدیدی را بیاورند و باغات را توسعه بدهند.

این موضوع در همه جای کشور دیده می شود که به جای اینکه سعی کنند خود را با امکاناتی که دارند، سازگار کنند و حالت پایداری را به وجود بیاورند؛ مدام در پیرو کردن به منابع جدید هستند. این قضیه صرفا با نرخ گذاری حل و فصل نمی شود، آن هم با نرخ گذاری که قرار است به شکل دولتی و اداری جلو برود.

**فرمودید این باور که اگر نرخ را درست کنیم، مصرف کننده درست مصرف می کند؛ آدرس غلط دادن است. آدرس درست و صحیح این مساله چیست؟ ضمن اینکه بالاخره بخشی از مسوولیت هم به مصرف کننده برمی گردد.**

**مهندس اسفندیاری:** به شرط اینکه اداره آن منابع را هم به خود آن مجموعه واگذار کنیم. باید آبخوان را به عنوان ثروت و دارایی در نظر بگیریم؛ که مردمی که در آنجا بهره برداری می کنند، مالکیت مشاع روی این منبع دارند.

اگر فرد جدیدی وارد این مجموعه بشود، مانند این است که در لیوانی که چند تا نی گذاشته ایم و مایع محدودی را استخراج می کنند، نی جدیدی بخواهد اضافه شود. خود این عمل، به هم زدن نظم و نسق آن مجموعه است. شما یک مجتمع ساختمانی را در نظر بگیرید، این مجتمع یک فضای مشاع دارد. فضای مشاع را خود آن مجموعه بهره برداری می کند. برای هر اتفاقی، به پلیس ۱۱۰ زنگ نمی زند که بگویند مثلا اینجا این مشکل پیش آمده است، چرا که اگر بخواهند مدام برای حل مسایل به مراجع قانونی مراجعه کنند؛ دیگر تمام شدنی نیست.

پرونده هایی را که در مورد مساله آب در قوه قضاییه ایجاد شده است، ببینید؛ سر به دهه ها هزار پرونده می زند. به دلیل این که مکانیزم های محلی که برای حل اختلاف وجود دارد را فعال نکرده ایم و روز به روز هم اختلافات گسترش پیدا می کند.

**مهندس کریمی پور:** فارغ از تمام طراحی های اقتصاد کلان، سرنوشت طرح هایمان را در نهایت اقتصاد خرد بنگاه تعیین می کند. این یک اصل اقتصادی است که در این تحول سی سال اخیر خیلی پررنگ شده است.

من که از علاقه مندان به مساله آب هستم، امروز در مزرعه ام چگونه رفتار می کنم؟ من در مزرعه ام با قواعد روز کار می کنم. اگر من به جای این که هر چقدر می توانم آب برداشت کنم، بگویم این آبخوان مستلزم همراهی من است و من به جای شش هزار ساعت، سه هزار ساعت برداشت می کنم؛ چه اتفاقی برای آبی که برداشت نمی کنم می افتد؟ همسایه ها با لذت تمام این آب را برداشت می کنند. همسایه ای که چاهش غیر مجاز است، همسایه ای که ۲۰ سال بعد از من کار را شروع کرده است، همسایه ای که به جای کالای استراتژیکی صادراتی من، خرزبه می کارد. شما اگر جای من بودید، در مقیاس بنگاه خرد خود چه می کردید؟ من با روش موجود و براساس قواعد بازی ساخته حاکمیت، کار می کنم. اگر من دو هزار ساعت آب برداشت کنم و رقبا

**موفه دیگری که باید در نظر گرفته شود، توان پرداخت است. بهره بردارهای مختلف توان پرداخت متفاوتی دارند، قطعا کشاورزی که در کرمان پسته می کارد، با کشاورزی که در سیستان و بلوچستان گندم می کارد، در این خصوص تفاوت دارد و نمی توانیم بهای یکسانی را از آنان دریافت کنیم**



**وزارت نیرو اندیکاتور وضعیت مالی دولت شده است. به محض اینکه شما می بینید پیمانکاران در وزارت نیرو داد می زنند، باید بفهمید که دوران کم پولی دولت شروع شده است؛ چون وزارت نیرو اولین وزارتی است که مطالباتش توسط خزانه قطع می شود**

بهتر است به دنبال راه‌حل‌های غیر قیمتی بهتری برویم. در مورد صنایع، نرخ‌گذاری روی سباب صنایع مهم تر است. عمده تمرکز باید روی کیفیت آب برگشتی و سباب صنایع باشد.

**مهندس کریمی پور:** در ترکیب مصرف آب ما، بیش از ۹۰ درصد کشاورزی است، ۶ درصد مصرف مراکز جمعیتی است، ۳ درصد هم صنعتی است. این ترکیب در دنیا ۷۰ درصد کشاورزی، ۸ درصد مراکز جمعیتی و ۲۲ درصد صنعتی است.

چند نتیجه از این مقایسه حاصل می‌شود: (۱) ترکیب مصرف آب ما یکی از موانع توسعه صنعتی است. اگر خواهان توسعه صنعتی هستیم، باید یک پتانسیل بزرگ آبی به بزرگی ده میلیارد مترمکعب، برای تولید غیر کشاورزی کنار بگذاریم. کشاورزی باید سهم قابل توجهی از آب را به نفع تولید غیر کشاورزی، آزاد کند.

(۲) مجموع مصرف انسانی ما زیاد نیست، بلکه بد توزیع شده است. ما در تهران، دو برابر متوسط مصرف در کشور آلمان مصرف می‌کنیم؛ اما در زایل یا در بسیاری مناطق روستایی این‌طور نیست. اگر خواهان توسعه انسانی در زایل هستیم، اگر در روستاها توسعه انسانی می‌خواهیم؛ باید مصرف آب لوله کشی را بالا ببریم. در حالی که در تهران، اصفهان، شهرهای بزرگ و در مناطق برخوردار ما باید برویم به طرف فرهنگ مصرف بهینه آب. که باز هم این مساله به حاکمیت برمی‌گردد. (۳) تنها محل قابل توصیه کاهش مصرف ملی، آب کشاورزی است. دیدیم در پرتفو آب کشور محتاج کاهش حداقل ۲۵ میلیارد متر مکعب (و بر اساس استاندارد جهانی ۵۰ میلیارد مترمکعب) برای رسیدن به تعادل طبیعت هستیم تا ایران نابود نشود. سپس دیدیم که در داخل بخش‌ها هم کشاورزی باید یک سهم قابل توجهی را به نفع تولید غیر کشاورزی، آزاد کند. مصرف آب کشاورزی باید به سرعت ۴۰ درصد کم شود. این کار بسیار مشکل و پیچیده‌ای است که ملاحظات اجتماعی - اقتصادی فراوانی دارد و من حاکمیت را برای انجام آن آماده نمی‌بینم. متأسفانه طبیعت خود راساً با کاهش عرضه تعادل را برقرار خواهد کرد. اما پاسخ‌های نهایی طبیعت بسیار خشن و به صورت دهشتناکی بر هزینه خواهد بود.

**مهندس اسفندیاری:** اقتصاد آب زمینه‌های مختلفی دارد و ما خیلی از بحث‌ها را انجام ندادیم. مباحث نظری اقتصاد آب در تطبیق با شرایط کشور، شاخص‌ها، سنجها و نشانگرهای اقتصادی برای هدف‌گذاری و پایش برنامه‌ها، زیرساخت‌هایی که برای اجرای سیاست‌های اقتصادی لازم است و تدابیر انگیزه ساز. امروز تنها به تدابیر انگیزه ساز پرداختیم. تازه در بحث‌ها مشخص شد که در استفاده از این تدابیر نیاز به تدابیر اجتماعی و سیاسی و به‌طور کلی اصلاحات در زمینه حکمرانی آب داریم. پیشنهاد من است که پرونده اقتصاد آب را مفتوح بگذارید و جلسه امروز شروعی باشد بر سلسله بحث‌هایی که در این خصوص در خواهد گرفت.

تقاضای آب شهری که آقای مهندس اشاره کردند، واقعیت آن است که در شهرهایی که دچار کم آبی هستند و من از آن‌ها اطلاع دارم؛ همان وقوع کم آبی، الگوی مصرف کنندگان را مقداری تغییر داده است. مثلاً آشنایان خود من که در شهرستان حیاط خانه را با آب می‌شستند با درک کم آب شدن شهرشان، الان دیگر این کار را نمی‌کنند.

به نظر من تصمیماتی که در مورد آب شهری گرفته شده، اوضاع را از روال سابق بهتر کرده است؛ اما باز هم بسیار ارزان‌تر از هزینه تمام شده عرضه می‌شود. یعنی هنوز جا دارد که در خصوص نرخ آب شهری تجدید نظر شود. باید با مردم شفاف صحبت کرد، مساله را رسانه‌ای کرد و مشکلات را بیان کرد. غیر از مردمی که در شهرستان هستند و دغدغه آب دارند، مردم در تهران هنوز اصلاً به این باور نرسیده‌اند که ممکن است آب کم شود.

اخبار منتشر شده در این مورد هم ضد و نقیض است. فرهنگ‌سازی ما متأسفانه فاقد برنامه است. امشب تصمیم می‌گیریم و فردا اعلام می‌کنیم که سدهای تهران ۴۰ روز دیگر آب ندارد. پس فردا یکی از مسوولان وزارت نیرو می‌گوید چه کسی گفته است که ما مشکل کم آبی داریم؟ آب هست و این؛ یعنی انتشار اخبار ضد و نقیض که تاثیر خبر را بر مردم کم‌رنگ می‌کند.

البته نرخ‌گذاری هم به نوبه خود اثرگذار است. به خصوص در ارتباط با آب صنعت، که ما اصلاً منع قانونی هم نداریم و مثل کشاورزی نیست که محدود باشیم. قانون دست نرخ‌گذاران را باز گذاشته است و می‌توانند هزینه تمام شده را بگیرند.

حتماً باید در صنعت تفکیکی صورت بگیرد و "صنایع آب بر" شناسایی شوند. در برخی از صنایع، آب نقش پایهای دارد. مثلاً در برخی از صنایع عسلویه، آب یک نهاده اصلی است. برخی صنایع اگر آب نباشد، نمی‌توانند کارشان را انجام دهند و چرخ کارخانه‌ها و تولیدی‌هایشان را بچرخانند. یعنی این صنعت مجبور است که آب را بگیرد و حساب و کتاب هم می‌کند و منحنی تقاضا و مصرفشان هم کشش پذیر است. وقتی شما با صنعتی قرارداد می‌بندید، اول باید مشخص کنید که متعلق به کدام دسته از صنایع است و بعد خود آن صنعت را در تعیین نرخ دخالت دهید و مذاکره کنید. در صنعت می‌شود به نرخ توافقی رسید.

**مهندس اسفندیاری:** در شهرهای ما بخش مهمی به اسم "آب به حساب نیامده" وجود دارد، که بین ۲۵ تا ۳۳ درصد آب تامین شده است. اگر مشترکین غیر مجاز را کنار بگذارید، مابقی اتلاف فیزیکی شبکه است که در لوله‌ها و سیستم توزیع به هدر می‌رود. بنابراین قضیه در این بخش اصلاً ربطی به مصرف‌کننده پیدانمی‌کند.

دومین مساله، جداسازی آب با کیفیت از آب مصارف خانگی است، که این راه حل غیر قیمتی بهتر جواب می‌دهد. مورد دیگر کاهش فشار آب در شبکه توزیع است که الان اجرا می‌شود. بنابراین برداشت من این است که در آب شهری

من چهار هزار ساعت آب بردارند؛ معلوم است که در صحنه رقابت تولیدی، اقتصاد بنگاه من به هم می‌ریزد و بنگاه من متلاشی می‌شود. مساله این است که حتی آدم‌های مسوول، در کشوری با قواعد بازی غیر مسوولانه، غیر مسوولانه رفتار می‌کنند. ما در آب شرایطی ایجاد کرده‌ایم که حتی اگر به آقای مهندس اسفندیاری هم ۱۰۰ هکتار زمین برای زراعت بدهید؛ ناچار است که از قواعد وندالیسم آبی تبعیت نکند، وگرنه ورشکست می‌شود. پس این که من می‌گویم اول و آخر این مساله به حاکمیت برمی‌گردد؛ از همین روست. شرایط بازی امروز به گونه‌ای است که منافع اقتصادی بنگاه‌ها در غارت آب است. این شرایط را هم حاکمیت تعریف می‌کند. مشکل اصلی آب در کشور حاکمیت است.

**مهندس آریان:** به نظر من جمع‌بندی بحث این‌گونه است که نرخ‌گذاری حل المسائل مشکلات آب نیست و مشکلات آب را بصورت ریشه‌ای حل نمی‌کند. همان‌طور که اشاره شد، مساله ابعاد مختلفی دارد که مهم‌ترینش بعد حاکمیتی است. هرچند نرخ‌گذاری به عنوان یکی از ابزارها می‌تواند شرایط را مقداری بهبود ببخشد و حداقل به عنوان یک ابزار کمکی می‌تواند سودمند باشد؛ کما اینکه ما مثال‌های زیادی هم در این رابطه داریم.

مثلاً افزایش جرایم رانندگی واقعا بخشی از تخلفات را کاهش داد. یعنی هر کالایی که بیش از اندازه ارزان باشد، واکنش مصرف‌کننده نسبت به آن طبیعتاً مصرف بیشتر خواهد بود. ولی وقتی که ارزش خود را تا حدودی نشان بدهد، رفتار عوض خواهد شد. به عقیده من، در خصوص آب زیرزمینی با تصحیح نرخ‌گذاری انرژی و در مورد آب سطحی با نزدیک شدن به هزینه تمام شده و یا هدف‌مند کردن پرداخت یارانه؛ می‌توان در این راستا حرکت کرد. به هر صورت نرخ‌گذاری ابزاری است که می‌تواند در راستای هدف اصلی، مفید واقع شود. ابزار نرخ‌گذاری به صورت ریشه‌ای مشکل را حل نمی‌کند، ولی کارایی و عملکرد خودش را دارد و مکمل سایر ابزارها است.

**هر چند که عمده مصرف آب در بخش کشاورزی است، اما نمی‌شود دو مصرف‌کننده دیگر را از این پرسش کنار گذاشت. تاثیر ابزارهای اقتصادی و از جمله نرخ‌گذاری صحیح بر روی آب شرب و آب صنعتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

**مهندس آریان:** مصرف‌کننده در مصرف شهری چندان واکنش نشان نمی‌دهد. حتی بعد از هدف‌مند شدن یارانه‌ها، مصرف آب شهری خیلی تغییری نکرده است.

**مهندس اسفندیاری:** در کل، منحنی تقاضای آب شهری ماهیتاً نسبت به قیمت زیاد حساس نیست، از همین رو ابزارهای مکمل حتماً باید به کار گرفته شوند. **مهندس آریان:** علی‌رغم کشش‌پذیر نبودن منحنی

**ما امروز باید از مجلس شورای اسلامی خواهش کنیم که دیگر در آب چیزی تصویب نکند**